الف) فلسفه تحلیلی سرل و فلسفه قاره‌ای دریفوس در نقد آگاهی هوش مصنوعی

خب علوم شناختی چیست؟ امروز این را توضیح می‌دهم و بعد توضیح مختصری از اتاق چینی می‌دهم. بعد به جایگاهی که این علم دارد را بیان می‌کنیم. این اتاق چینی بحث‌های خیلی خوبی در هوش مصنوعی دارد؛ حدود چهل و سه سالش هم شده؛ از ۱۹۸۰ این بحث در فضای علمی آمده. در طول این چهل و سه سال هم از بحث‌های علمی خیلی داغ بوده. خیلی هم حمله کرده‌اند تا این اتاق چینی را بشکنند. حالا اینکه شکسته‌ای نشکسته، به آن می‌رسیم. روی آن بحث‌های مفصلی شده و شکستن آن هم کار دارد و در آن نکات مهمی هست. در سایت حوزه هم مقاله‌ای از فصلنامه ذهن هست که حدود سال ۱۳۸۷ چاپ شده است. در فدکی‌ه آن را گذاشته‌ام. در این مقاله، ایشان خلاصه‌ای از مقاله جان سرل - که مبدع اتاق چینی است - را آورده است. اول آن را توضیح می‌دهد و بعد شش اشکالی که به آن شده را پاسخ می‌دهد. در ششمین اشکال، رنگ پاسخش رنگ تسلیم است. یعنی خود صاحب اتاق چینی در پاسخ به اشکال ششم گویا می‌خواهد تسلیم شود. حالا ببینیم آیا جا بوده که تسلیم شود و چرا میل کرده و می‌گوید اگر شد، بله؟

خب اتاق چینی چیست؟ اولی که این بحث پیدا شد، صحبت سر این بود که وقتی شما با هوش مصنوعی برنامه‌های مینویسی و کامپیوتر، کاری انجام می‌دهد، آیا این دستگاه ذهن و آگاهی دارد یا نه؟ فهم دارد یا ندارد؟ فهم معنا دارد یا ندارد؟ مهندسین نرم‌افزار بیشتر می‌خواهند کار خودشان را پیش ببرند و کاری با این بحث‌هایی که ریخت فلسفی دارند، ندارند و کار خودشان را می‌بینند. آنها با الفاظی که به کار می‌برند، بحث‌های کسانی که صبغه فلسفی داشت را برانگیخت. مثلاً ریخت فکر خود سرل، ریخت فلسفه تحلیلی است. شخص دیگری داریم که همانند سرل در مبارزه با هوش مصنوعی معروف هستند؛ البته سرل مبارزه نکرد ولی تحلیل‌هایش در مقابل قرار گرفت. دیگری مبارزه کرد؛هوبرت دریفوس؛ ریخت فکر دریفوس ریخت فلسفه قاره‌ای است. قاره‌ای فکر می‌کند، نه تحلیلی. و لذا استدلالاتی که دارند دو جور است. ان شاء الله بعداً روی آنها تأمل کنید. اگر با بحث‌های هر کدام از اینها آشنا شوید، خیلی خوب است.

جریاناتی هم دارند؛ مثلاً سرل این مقاله را در سال ۱۹۸۰ شروع کرد؛ اما دریفوس سه-چهار سال بعد از پیدایش هوش مصنوعی و کنفرانس‌هایی که تشکیل شده بود، علیه آنها حرف زد. تند حرف زد. حتی به جایی رسید که او گفت یک بچه ده ساله بیشتر از هوش مصنوعی می‌فهمد. یک بچه ده ساله می‌تواند این ماشین را شکست دهد. این حرف او، خیلی به مهندسین و کسانی که کار می‌کردند، برخورد. گفتند حالا حساب تو را می‌رسیم تا از این حرف‌ها نزنی. یکی آمد برنامه‌ای ریخت؛ گفت شما آقای دریفوس بیایید با این برنامه هوش مصنوعی ما مسابقه شطرنج بدهید.

مثل منی نمیدانم چیست. ایشان هم قبول کرد و رفت و جلو چشم همگان شکست خورد. گفتند چطور تو میگویی اندازه بچه ده ساله نمیفهمد اما حالا خودت با این ادعا، از او باختی؟! داریوس جملهای گفت: گفت بچه ده ساله میتواند هوش مصنوعی را شکست دهد و بیش از آن است، هرچند این هوش میتواند داریوس را در شطرنج ببرد و او را شکست بدهد.

شاگرد: حالا که باخته این حرف را میزند؟

استاد: نه، حرف بعدی او هم درست بود. یعنی میخواهد بگوید ذهن بچه ده ساله خیلی چیزها دارد که ممکن نیست شما در ماشین پیادہ کنید. منظورش این است. ولی خب شما در بخشی از کار، برنامههای نوشتهایدی که من را شکست دادید. بعد هم میگوید من نگفتم ماشین نمیتواند شطرنج بازی کند. من گفتم این نمیتواند ذهنی شود که ما داریم. این خیلی فرق میکند. البته الآن هم در اخبار میآیدی که قهرمان ها را شکست میدهد.

شاگرد: یکی از شطرنج بازها با کامپیوتر بازی کرده بود و آن را شکست داده بود. گفت چون من با آن آماتور بازی کردم آن را بردم اما برنامهریزی آن بهصورت حرفهای بود.

استاد: اینها مطالب مهمی است. اگر همه اینها جمع شود، میبینید.

علی ای حال ریخت کار داریوس قارهای است. باید سر جایش صحبت کنیم که او چه میگوید. ولی کار سرل و اتاق چینی، به این صورت نبود.

شاگرد: قارهای به چه معنا است؟

استاد: قارهای اصطلاحی برای تقسیمبندی فلسفه غرب است. میگویند فلسفه غرب دو نوع تفکر دارد. تفکرات تحلیلی که خودشان میگویند برای آن تعریفی ندارید. درحالیکه روشن هم هست. دوم تفکرات قارهای مانند هگل و ... . واقعش هم این است که قارهایها در عقلانیت بالاتر هستند. شبیه همین کامپیوتر است که شما زبانهای برنامهنویسی سطح بالا دارید که چقدر گستردہ است و زبان ماشین هم دارید که در آن سطح پایین با آن سختافزار مباشرتاً کار میکند. قبلاً هم در مبحث عرض کردهام که به گمانم قارهای و تحلیلی مکمل هم هستند. یعنی در بشر به هر دو نیاز است. لذا یکی دیگر را در پیشرفت کمک میکنند. اینطور هم نیست که چون فلسفه تحلیلی است، بگوییم قرار است کار گیر کند، بلکه آستانههای که الآن فلسفه تحلیلی رسیدہ است، جوری است که قبول متافیزیکی و چیزهایی که وراء مادہ است برای متخصصینش مثل آب خوردن است و حال آنکه قبلاً اینطور فکر نمیکردند.

بازبینی #3
ایجاد شدہ 20 ژانویه 2024 14:45:17 توسط ... .
به روزرسانی شدہ 29 ژانویه 2025 14:19:16 توسط ... .